



سیر تطور هنر در آذربایجان
(نقاشی، خوشنویسی، نمایش و موسیقی)
روح الله عباس خانی
انتشارات سروش

فرهنگ و تمدن هر ملتی با مجموعه آثار هنری برجای مانده از آن شناسایی می‌شود. آثار هنری بشر در حوزه‌های ادبیات منظوم، منثور، هنرهای نمایشی، موسیقی، هنرهای تجسمی، معماری، هنرهای دستی و ... در طی سالیان طولانی حاصل تلاش جدی انسان است. درخت هنر در آذربایجان نیز با شاخه‌های متعددی که بعضی سابقه‌های طولانی دارند و بعضی جدیدترند، در طی تاریخ با قامتی استوار ایستاده است. آشنایی با سیر تطور هنرهای چون نقاشی، خوشنویسی، نمایش و موسیقی تا حدودی می‌تواند تحولات هنری در سایر رشته‌ها را روشن سازد. به گفته‌ی مولف، شاید این کتاب اولین گزارش مدون درباره‌ی شاخه‌های هنری یادشده در استان آذربایجان شرقی باشد. البته این مطالعه تنها محدود به آذربایجان شرقی نمی‌شود، بلکه با نگاهی به تحولات تاریخی و تأثیرهای مختلف و درجه‌ی اهمیت هر یک از وقایع به ورای مرزهای استان نیز توجه شده است. کتاب حاضر در چهار فصل ارائه شده است: ابتدا به هنر نقاشی در دوره‌ی مغول یا مرحله‌ی اول مکتب تبریز، دوره‌ی صفویه یا مرحله‌ی دوم (اصلی) مکتب تبریز و سپس دوره‌ی معاصر پرداخته شده و انواع هنر نقاشی در آذربایجان و استادان و هنرمندان این حوزه‌ی هنری از جمله کمال‌الدین بهزاد، آقامیرک، سلطان محمد تبریزی و ... مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نویسنده در فصل دوم به هنر خوشنویسی و تاریخچه‌ی این هنر در آذربایجان از دوره‌ی مغول پرداخته و به معرفی هنرمندان و استادان این خطه در حوزه‌ی خوشنویسی از جمله میرعلی تبریزی، مولانا جعفر بایسنغری، اظهار تبریزی، میرزا طاهر خوشنویس و ... می‌پردازد. سپس در بحث هنر نمایش به تاریخچه‌ی این هنر در آذربایجان پرداخته و نگاهی گذرا بر فعالیت‌های نمایشی پس از انقلاب اسلامی دارد. همچنین به انواع نمایش در آذربایجان و استادان و هنرمندان این رشته‌ی هنری اشاره می‌کند، هنرمندانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقا تبریزی، جلیل محمد قلی‌زاده و ...

وی در این بخش به طرح این سؤال می‌پردازد که چرا زمانی این هنر در این منطقه زودتر از مناطق دیگر رشد می‌کند؟ چرا اکنون از آن فعالیت‌های گسترده خبری نیست؟ به نظر وی استعداد ذاتی، وضعیت جغرافیایی سیاسی و اجتماعی در این امر مؤثر بوده‌اند. همچنین تأثیر حضور وسیع تحصیل کرده‌های آشنا به هنر نمایش در مقطعی خاص را نمی‌توان نادیده گرفت. بیشتر کسانی که در دوره شکوفایی نمایش در تبریز فعال بوده‌اند، دارای تحصیلات کلاسیک نمایشی از ماورای قفقاز بودند یا در تفلیس، باکو یا مسکو آموزش دیده و با دست پر وارد تبریز شده‌اند.

همچنین در فاصله‌ی سال‌های (۱۳۲۵ - ۱۳۳۴) از نمایش و گروه‌های نمایشی حمایت چشمگیری به عمل می‌آید. حمایت مادی و معنوی انجمن روابط ایران و شوروی از گروه‌های نمایش، سبب اوج ناگهانی اجرای نمایشی در تبریز و نقاط مختلف آذربایجان می‌شود.

هنر موسیقی فصل چهارم کتاب را به خود اختصاص داده و تاریخچه‌ی موسیقی در آذربایجان در قبل از اسلام، دوره‌ی اسلامی تا قرن هفتم هجری، از قرن هفتم تا آغاز دوره صفویه، دوره‌ی قاجار و معاصر و بعد از انقلاب اسلامی بررسی می‌شود. سپس انواع موسیقی آذربایجان اعم از موسیقی عاشیقی و موسیقی مقام بررسی و هنرمندان و استادان این رشته هنری معرفی می‌شوند، از جمله صفی‌الدین ارموی، عبدالقادر مراغهای، ابوالحسن خان اقبال آذر و ...

نویسنده متذکر می‌شود که در آذربایجان به جز مقاطعی خاص، هنر و به ویژه موسیقی یا دچار رکود بوده یا مسیر انحرافی طی کرده است. دیگر اینکه در اوایل قرن نوزدهم تحولاتی مؤثر در موسیقی آذربایجان صورت گرفت، اما در این سوی ارس هنر و موسیقی مسیر متفاوتی را طی کرد و از سیاست درستی برخوردار نشد. مؤلف معتقد است موسیقی باید با زمان تطبیق یابد و این به معنای نادیده انگاشتن گذشته نیست بلکه با شناخت دقیق میراث تاریخی خود و براساس آن باید بناهای متناوب امروزی ایجاد شود.